

چالش‌های والدین در آموزش جنسی به فرزندان: یک مطالعه کیفی

نگین بخشی^۱، فرهاد خرمایی^۲

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: آموزش جنسی، اقداماتی است که از دوران اولیه زندگی انسان و با هدف رشد متعادل و متناسب غریزه جنسی صورت می‌گیرد. پژوهش حاضر با هدف فهم چگونگی ارائه مسایل جنسی از جانب والدین به فرزندان و شناسایی چالش‌های تأثیرگذار بر آموزش مسایل جنسی انجام شد.

روش: این مطالعه از نوع کیفی بود و در آن از تحلیل محتوا جهت تحلیل داده‌ها استفاده گردید. اطلاعات از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته با ۲۵ نفر از والدین (پدر، مادر و یا هر دو) در مراکز مشاوره شهرستان رفسنجان جمع‌آوری شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: سه مضمون اصلی شامل «روش‌های آموزش مسایل جنسی»، «چالش‌های موجود در تربیت جنسی از سوی والدین» و «چالش‌های محدودکننده و عوامل افزایش دهنده آموزش جنسی» استخراج گردید. مادران نقش اصلی را در آموزش مسایل جنسی ایفا می‌کردند. شرم و عدم اطمینان در همه والدین به خصوص در زمینه آموزش به پسران وجود داشت. بیشتر والدین از برنامه‌های آموزشی و یا منابع اطلاعاتی معتبر در این زمینه استقبال کردند.

نتیجه‌گیری: با وجود این که والدین اصلی‌ترین منبع آموزش مسایل جنسی به فرزندان محسوب می‌شوند، اما در مورد نقش خود در این زمینه با چالش‌هایی روبه‌رو می‌باشند. ارائه برنامه‌های آموزشی توسط متخصصان برای والدین، منجر به افزایش مهارت و اطمینان والدین می‌شود.

کلید واژه‌ها: آموزش مسایل جنسی، والدین، فرزندان، پژوهش کیفی

ارجاع: بخشی نگین، خرمایی فرهاد. چالش‌های والدین در آموزش جنسی به فرزندان: یک مطالعه کیفی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت ۱۳۹۷؛ ۷ (۳): ۲۳۹-۲۲۷.

تاریخ چاپ: ۹۷/۷/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۱۰

۱- دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

۲- دانشیار، گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

نویسنده مسؤول: نگین بخشی

Email: ne.bakhshi@yahoo.com

مقدمه

تربیت تحت عنوان رشد تدریجی و هماهنگ همه استعدادهای آدمی تعریف می‌شود که در این میان، حوزه تربیت جنسی بخش تأثیرگذاری از تربیت می‌باشد (۱). عده‌ای تربیت جنسی را به معنی آموزش رفتارهای جنسی سالم یا لذت‌خواهی در مدرسه می‌دانند و برخی دیگر با همین نگاه و برداشت، با تربیت جنسی مخالف هستند. اگرچه در عمل، بررسی برنامه‌های تربیت جنسی چنین باوری را تأیید نمی‌کند (۲-۴). با وجود این که سلامت جنسی از بخش‌های ارزنده تربیت جنسی به شمار می‌رود، اما این تنها بخش کوچکی از برنامه تربیت جنسی است (۵) و همین نکته چالش‌هایی را در آموزش جنسی به کودکان و نوجوانان برای والدین ایجاد می‌نماید. به طور مثال، یونسکو در راهنمای تربیت جنسی، اهداف گسترده تربیت جنسی را تحت عنوان افزایش فهم و دانش؛ روشن‌سازی احساسات، ارزش‌ها و نگرش‌ها؛ پرورش و نیرومندسازی مهارت‌ها و کاهش رفتارهای پرخطر معرفی می‌کند (۶).

پدران و مادران نمی‌توانند و نباید نسبت به مسایل و سؤالات جنسی فرزندان خود بی‌تفاوت باشند (۷)؛ چرا که تربیت جنسی از دشوارترین و حساس‌ترین تربیت‌ها محسوب می‌شود که اندک اشتباه و غفلتی در آن ممکن است کودکان را به وادی فساد بکشانند (۸). بسیاری از دشواری‌های جنسی بزرگسالی، ریشه در دوران کودکی دارد (۹). بنابراین، تربیت جنسی از دشوارترین بخش‌های تربیت می‌باشد؛ چرا که از یک طرف والدین در مورد آگاه کردن فرزندان خود در این مسایل در هراس هستند و این تصور را دارند که آگاهی فرزندان نسبت به مسایل جنسی، باعث گمراهی آن‌ها خواهد شد و از طرف دیگر، حجب و حیا و شرم والدین نیز در ارائه اطلاعات جنسی به فرزندان، باعث ایجاد چالش برای آنان در این مسأله می‌شود (۱۰). والدین، طبیعی‌ترین مربیان جنسی کودک هستند و مهم‌ترین نقش را در آماده‌سازی کودکان برای رویارویی با تنش‌ها و ابهامات زندگی (زندگی جنسی کودک) دارند (۱۱). مشکل موجود در مسیر تربیت جنسی کودکان، نداشتن آگاهی و حجب کاذب است. این دو

عامل مانع ارتباط بین والدین و فرزندان برای بیان حقایق به روش اصولی و صحیح می‌شود. نیازهای والدین در این خصوص مشخص نیست و والدین هنوز تعریف درستی از آموزش جنسی ندارند و این امر بر چالش ذهنی آن‌ها می‌افزاید (۱۲، ۱۳).

به هر میزان که والدین در تربیت جنسی کودک از روش‌ها و برنامه‌های جامع، اصولی و منطقی استفاده کنند، تربیت جنسی کامل‌تری انجام خواهد شد (۸). از نظر Huston و همکاران، افرادی که در سمینارها و برنامه‌های آموزش جنسی شرکت می‌کنند، بسیار راحت‌تر می‌توانند راجع به مسایل جنسی با نوجوانانشان صحبت کنند (۱۴). از سوی دیگر، نتایج مطالعات نشان داده است که آموزش جنسی مناسب در مدرسه و خانواده، باعث می‌شود که مسؤولیت‌پذیری و درک نوجوانان از امور جنسی افزایش یابد (۱۵). همچنین، منجر به تأخیر افتادن شروع روابط جنسی در آن‌ها می‌شود (۱۶، ۱۷). Turkel معتقد است که آرایه آگاهی‌های جنسی برای نوجوان باید اندکی زودتر از زمانی که وی با مسایل مذکور به شدت درگیر می‌شود، آغاز گردد (۱۸). والدین باید با دقت در رفتارهای فرزندان خود و انطباق اعمال آن‌ها با نشانه‌های دوران بلوغ جنسی، زمان مذکور را برای پسران و دختران تشخیص دهند.

سطح اطلاعات نوجوانان از مسایل جنسی، تحت تأثیر عوامل متعدد و به هم پیوسته‌ای شامل عوامل فردی، عوامل خانوادگی، جامعه و عوامل اجتماعی قرار دارد. پیشگیری از کسب اطلاعات غلط توسط نوجوانان تنها از طریق افزایش آگاهی و آموزش در مدارس امکان‌پذیر نیست (۱۹). در واقع، سهم عظیمی از این آموزش‌ها در خانواده صورت می‌گیرد. در یک مطالعه سالانه در انگلستان، کودکان و نوجوانان والدین را به عنوان یک منبع اطلاعاتی بسیار مهم در آموزش مسایل جنسی معرفی کردند (۲۰). با این وجود، تحقیقات نشان می‌دهد که یک سوم دختران تا قبل از قاعدگی هرگز در رابطه با این موضوع با والدین خود صحبت نمی‌کنند. همچنین، ۴۳ درصد نوجوانان هرگز درباره مسایل جنسی با مادرانشان صحبت نکرده و ۷۲ درصد از نوجوانان نیز هرگز

قرار می‌دهد، انجام شد.

روش

این مطالعه از نوع کیفی و مبتنی بر فلسفه طبیعت‌گرایانه و پارادایم تفسیری بود و در آن از تحلیل محتوای عرفی برای تحلیل داده‌ها استفاده گردید. روش تحلیل محتوا روشی است که به منظور تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی به کار می‌رود (۲۷) و کاربرد آن زمانی مناسب است که نظریه و متون پژوهشی کافی در مورد پدیده وجود ندارد. از آن‌جا که این تکنیک دانش و بینشی جدید و بیانی از واقعیت ارایه می‌دهد، در تحقیق حاضر از این رویکرد به منظور کشف چالش‌های والدین در آموزش جنسی فرزندان استفاده شد. برای تحلیل محتوای داده‌های کیفی از روش آنالیز پنج مرحله‌ای Lundman و Graneheim استفاده شد که مراحل آن شامل «پیاده‌سازی کل مصاحبه بلافاصله بعد از انجام هر مصاحبه، خواندن کل متن برای درک کلی از محتوای آن، تعیین واحدهای معنا و کدهای اولیه، طبقه‌بندی کدهای اولیه مشابه در طبقات جامع‌تر و تعیین درون‌مایه اصلی طبقات» بود (۲۸).

داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته فردی جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل بخش کیفی از اولین مصاحبه آغاز گردید. پس از پیاده کردن مصاحبه‌ها، متن نوشته شده بارها توسط پژوهشگر خوانده شد تا با یافتن واحدهای معنایی و واحدهای معنایی فشرده‌تر، کدها ایجاد شود. سپس به مسیر طبقه‌بندی وارد و طبقات به صورت استقرایی از داده‌ها تشکیل شد؛ بدین صورت که با استفاده از روش مقایسه مداوم، کدهای استخراج شده بر اساس تفاوت‌ها و تشابهات با تبدیل به طبقات تقلیل یافت. این روش سبب می‌شود هم بصیرت اولیه نسبت به طبقات ایجاد شود و هم تفاوت بین هر طبقه آشکار گردد. به عبارت دیگر، طبقات به شکلی سازماندهی شد که تا حد امکان دارای سازگاری درونی و ناسازگاری بیرونی بودند. صحت و دقت کدگذاری اولیه نیز در یک فرایند استاندارد مورد بررسی قرار گرفت.

برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد؛ بدین ترتیب والدینی که تجربه روشن و مناسبی از این

درباره موضوعات مذکور با پدرانشان وارد بحث نشده‌اند (۲۱). با وجود این که در پژوهش‌های متعدد به اهمیت نقش خانواده در آموزش مسایل جنسی اشاره شده است، اما نتایج مرور مطالعات داخلی صورت گرفته در این حوزه نشان می‌دهد که موضوع مذکور از اقبال مناسبی در بین خانواده‌های ایرانی (به خصوص پدران) برخوردار نیست (۲۵-۲۲، ۸). علاوه بر این، اغلب تحقیقات داخلی که در این حوزه انجام شده، از نوع کمی بوده است. پژوهش‌های کمی اجازه فهم عمیق افکار و عقاید افراد را نمی‌دهد؛ در حالی که در روش‌های کیفی دیدگاه افراد نسبت به رفتارها مورد بررسی قرار می‌گیرد و به دنبال آن، تأثیرات رفتار مورد تفسیر بیشتری قرار می‌گیرد (۲۶). اتخاذ رویکرد کیفی برای بررسی چالش‌های افراد در این موضوع به دلایل زیادی سودمند و ارزشمند است. تجربیات افراد در زمینه آموزش مسایل جنسی با ساختن یک دیدگاه جامع‌تر در این موضوع می‌تواند به حل مشکلات بالقوه این حیطه کمک نماید. همچنین، مطالعات کیفی به توسعه و قدرت‌بخشی به نظریات حول این موضوع که هم اکنون به شدت متکی بر مدل‌های تجربی و کمی می‌باشد، کمک می‌کند. با توجه به شرایط فعلی، از طرفی بین بلوغ و ازدواج افراد فاصله طولانی وجود دارد و از طرف دیگر، تنیده شدن زندگی با تلویزیون، تلفن‌های همراه و اینترنت، لزوم آگاهی‌بخشی و تربیت جنسی از طریق صحیح به فرزندان را ایجاب می‌کند. بعضی رسانه‌ها با نشانه گرفتن یکی از دل‌مشغولی‌های نوجوانان و با ارایه اطلاعات زیاد و نادرست، شرایط انحراف جنسی را فراهم می‌کنند. به همین علت هدایت جنسی موضوع مهمی است که اگر راهنمایی‌های لازم از سوی پدر و مادر انجام نشود، فرد با دریافت اطلاعات غلط و بی‌حد و حصر، دچار انحرافات می‌شود. بنابراین، با توجه به این امر مهم، مطالعه حاضر به روش کیفی و با هدف فهم چالش‌های موجود در ارایه مسایل جنسی از جانب والدین به فرزندان با توجه به بافت فرهنگی که لزوم استفاده از پژوهش کیفی را برای ورود به چالش‌های ذهنی والدین در حیطه آموزش مسایل جنسی در این بافت فرهنگی می‌طلبد و همچنین، شناسایی چالش‌هایی که آموزش مسایل جنسی را تحت تأثیر

مسأله داشتند، در پژوهش مشارکت کردند. نمونه‌گیری تا اشباع داده‌ها و عدم دریافت اطلاعات جدید ادامه یافت. این مصاحبه‌ها شامل پرسش‌هایی درباره این که والدین چگونه با فرزندانشان وارد مباحث جنسی می‌شوند؟ چه عواملی باعث دشواری این کار می‌شود؟ عواملی که صحبت کردن در این باره را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ و یا چه راهکارهایی برای تسهیل این امر دارند؟ ... بود. برای دریافت دیدگاه‌ها، با ۲۵ پدر و مادر داوطلب که به مرکز مشاوره در رفسنجان مراجعه کرده بودند، مصاحبه انجام گرفت. در ۱۸ مصاحبه فقط مادران حضور داشتند و در ۷ مصاحبه هر دو والدین شرکت نمودند. در مجموع، تعداد محدودی از شرکت‌کنندگان را پدران تشکیل دادند، هرچند که تلاش پژوهشگر بررسی نقش پدران نیز بود؛ چرا که نتایج تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که پسران در آموزش‌های جنسی نادیده گرفته می‌شوند (۲۹). از نظر جمعیت‌شناختی، میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۳۸ سال و سطح تحصیلات آنان از بی‌سواد تا کارشناسی متغیر بود.

پژوهشگر در ابتدا هدف مطالعه را برای مشارکت‌کنندگان توضیح داد و در صورت تمایل آن‌ها، به انجام مصاحبه اقدام کرد. همچنین، آزادی عمل در خروج از فرایند پژوهش به آن‌ها تذکر داده شد. به علت محدودیت‌های اجتماعی، عده‌ای از والدین اجازه ضبط مصاحبه‌ها را ندادند که بر این اساس مکالمات یادداشت‌برداری گردید. به علت ماهیت و حساسیت موضوع که عده‌ای آن را به عنوان قسمت کاملاً خصوصی زندگی در نظر می‌گیرند، ملاحظات اخلاقی امر بسیار مهمی در طول مصاحبه‌ها بود. کلمات و جملاتی که در تمامی مصاحبه‌ها مورد استفاده قرار گرفت، با دقت انتخاب شد؛ بدین منظور که از یک سو والدین را برای ادامه مصاحبه و دادن اطلاعات مناسب و صحیح تشویق کنند و از سوی دیگر، باعث ناراحتی و تحریک غیر ضروری آن‌ها در این زمینه نشوند. هر مصاحبه به طور میانگین ۴۵ دقیقه به طول انجامید.

به منظور روایی و اعتماد از «قابلیت اعتبار یا مقبولیت، قابلیت اطمینان، انتقال‌پذیری و قابلیت تأیید» استفاده گردید. یکی از روش‌های ایجاد مقبولیت، نمونه‌گیری با حداکثر تنوع می‌باشد. در پژوهش حاضر، محقق برای ایجاد مقبولیت

(باورپذیری و قابل اعتماد بودن داده‌ها) برخی اقدامات را انجام داد. بدین ترتیب، پژوهشگر شرکت‌کنندگانی با تجارب و ویژگی‌های متفاوت را انتخاب کرد؛ یعنی با انتخاب شرکت‌کنندگانی که از نظر سن، تحصیلات و درآمد متنوع بودند، سعی نمود تا تجارب مختلف را جمع‌آوری کند. پژوهشگر سعی بر آن داشت تا با شرکت‌کنندگان ارتباط مناسبی برقرار نماید و با غوطه‌وری کامل در داده‌ها و جمع‌آوری آن‌ها و انتخاب واحدهای معنایی مناسب و شکل‌دهی طبقات و درگیری مداوم و رفت و برگشتی با داده‌ها، اعتبار و مقبولیت یافته‌ها را ارتقا بخشد. بدین ترتیب که پژوهشگر پس از مصاحبه اول و تایپ آن شروع به خواندن مجدد کرد و تلاش نمود تا آن دسته از نقل‌قول‌هایی که مرتبط با سؤال پژوهش است را شناسایی کند و به عنوان واحدهای معنایی در نظر بگیرد. از آن‌جا که روش دیگر تأمین اعتبار یافته‌ها، بررسی یافته‌ها با شرکت‌کنندگان است، پژوهشگر برای بررسی همخوانی تجارب مشارکت‌کنندگان، بخشی یا تمام متن را همراه با کدهای استخراج شده اولیه در اختیار تعدادی از مشارکت‌کنندگان قرار داد تا مشخص شود کدهای استخراج شده مطابق با نظرات آنان است یا نه. در صورتی که مصاحبه شونده‌گان نظرات اصلاحی داشتند، به پیشنهاد آن‌ها توجه می‌شد.

قابلیت اطمینان داده‌ها در پژوهش کیفی زمانی تأیید می‌شود که پژوهشگر اعتبار یافته‌ها را اثبات کرده باشد و آن دسته از تغییرات غیر ضروری که به طور ناشناخته بر ماهیت داده‌ها تأثیر می‌گذارد، در جمع‌آوری داده‌ها لحاظ نشود (۳۱، ۳۰). برای بررسی ثبات داده‌ها در زمان‌های دیگر، از درگیری طولانی با پدیده و بررسی مداوم برای افزایش اعتبار، تحلیل مستمر و مقایسه‌ای داده‌ها جهت اطمینان یا ثبات یافته‌ها استفاده گردید. همچنین، از حساسی‌تری تحقیق برای تأمین قابلیت اطمینان استفاده شد؛ بدین معنی که کلیه مراحل تحقیق، تصمیمات، اسناد و نتایج توسط یک ناظر بیرونی که جزء تیم تحقیق نبود، مورد بررسی قرار گرفت.

انتقال‌پذیری یعنی احتمال این که یافته‌ها در شرایط مشابهی، معنای مشابهی برای دیگران ایجاد کند. در

جدول ۱. مقولات و زیرمقولات به دست آمده

مقوله اصلی	زیرمقوله
روش‌های آموزش مسایل جنسی	استفاده از موقعیت گفتگو پاسخگویی صرف به سؤالات اجتناب از موضوع
چالش‌های تأثیرگذار بر تربیت جنسی	جنسیت تصور والدین از نقش خود در تربیت جنسی نیاز فرزندان به آموزش سایر منابع آموزشی
چالش‌های محدودکننده و عوامل افزایش دهنده	کمبود آگاهی والدین احساس شرم عدم اطمینان از نحوه ارایه مسایل ایجاد محرک دسترسی به منابع مناسب برقراری پسند مدرسه با والدین

استفاده از موقعیت گفتگو: بعضی والدین از دوران کودکی فرزندان، موقعیت‌هایی را برای گفتگو در این زمینه ایجاد می‌کردند.

«من فکر می‌کنم که بچه‌های من کنجکاویشان را در این زمینه خیلی زود شروع کردند، ولی هیچ وقت مقابلشان ایستادگی نکردم؛ چرا که ما واقعاً توی موقعیت آن‌ها نبودیم و نیستیم... این کنجکاوی‌ها و سؤال‌ها محصول موقعیت و شرایطی هست که بچه‌ها در آن قرار دارند» (پدر).

عده‌ای از والدین محتوای مکالمات را بسته به سن فرزندان متفاوت ارایه می‌دادند که منعکس‌کننده تغییر موضوع از تفاوت‌های جسمی بین دو جنس تا تفاوت‌های هیجانی و اجتماعی دختران و پسران است. «لان بیشتر درباره مسایلی سؤال می‌کنه که باعث می‌شه من برای جواب دادن بهشون بیشتر فکر کنم؛ در حالی که قبلاً فقط یک‌سری اطلاعات می‌دادم بهش...» (مادر).

نظرات درباره این که فرزندان در سنین مختلف باید چه مسایل جنسی را بدانند، یک موضوع قابل بحث در بین والدین است. عده‌ای بر این باور هستند که فرزندان برای دانستن این‌گونه مسایل بسیار کم سن هستند. بنابراین، سؤالاتشان را به صورت سر بسته و گنگ جواب می‌دادند. «من فقط به سؤالاتی جواب می‌دم که فک می‌کنم مناسب سش هست و نه این که همه چیز را برایش توضیح دهم...» (مادر).

پژوهش‌های کیفی بیش از این که به معرف بودن نمونه‌ها تأکید گردد، تلاش می‌شود تا به این نکته توجه شود که داده‌ها تا چه حد نشانگر کل اطلاعات موجود است. برای تأمین هدف انتقال‌پذیری در مطالعه حاضر، پژوهشگر مراحل تحقیق و تصمیمات اخذ شده در طول آن را به طور دقیق ثبت و گزارش کرد تا خوانندگان بتوانند موضوع را از طریق مطالعه این نوشته‌ها پیگیری نمایند. اگرچه نمونه‌گیری هدفمند با حداکثر تنوع که در بخش کیفی پژوهش به توصیف دقیق مشارکت‌کنندگان، روش نمونه‌گیری، زمان و مکان جمع‌آوری داده‌ها پرداخت نیز به تأمین انتقال‌پذیری کمک کرد.

معیار دیگر، تأییدپذیری یا عینیت است که برای تحقق آن از بازنگری توسط ناظران استفاده شد. از این‌رو، پژوهشگر نیمی از مصاحبه را به همراه کدهای استخراج شده برای تجزیه و تحلیل در اختیار یک استاد که در تیم تحقیق حضور نداشت، اما در انجام کار کیفی تجربه داشت، قرار داد تا همخوانی نظر ناظر و پژوهشگر مشخص شود. در صورت وجود اختلاف نظر، پژوهشگر مجدد به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخت و به ناظر عودت داد تا مورد تأیید و اجماع نظر نهایی قرار گیرد. همچنین، پژوهشگر برای نامگذاری طبقات و زیرطبقات، از متخصصان روان‌شناسی کمک گرفت و تا حد امکان سعی کرد تا پیش‌فرض‌های خود را در جریان تجزیه و تحلیل دخالت ندهد.

یافته‌ها

از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها، درون‌مایه اصلی «چالش‌های والدین در آموزش مسایل جنسی به فرزندان» و سه مقوله اصلی استخراج شد که در جدول ۱ آمده است.

روش‌های آموزش مسایل جنسی

نکته مهم آن است که آموزش مسایل جنسی توسط والدین به طور قابل توجهی متفاوت بود و می‌توان آن را پیوستاری در نظر گرفت که در یک سوی آن والدینی حضور داشتند که آشکارا با فرزندان در مورد این مسایل وارد گفتگو می‌شدند و در سوی دیگر والدینی که از بیان این موضوع به کلی اجتناب می‌کردند.

پاسخگویی صرف به سؤالات: با توجه به وجود تنوع چشمگیر پاسخ‌های والدین در این زمینه، پژوهشگر به دنبال پاسخ به این سؤال بود که از دیدگاه خانواده‌ها زمان مناسب برای ارایه آموزش مسایل جنسی چه زمانی است؟ پاسخ به این سؤال به طور عمده تحت تأثیر تجربیات آموزشی قبلی والدین در این زمینه، آگاهی آن‌ها از هنجارها و مقتضیات اجتماعی کنونی و رشد جنسی فرزندانشان بود. والدین برای پاسخگویی به این سؤال به سه دسته تقسیم می‌شدند: یک گروه از آن‌ها اعتقاد داشتند که باید ابتدا منتظر سؤال کودک بود و بر اساس سؤالی که می‌پرسد، پاسخ داد و نه بیشتر. «من برای هر سه فرزندم همین جوری عمل کردم... به سؤالاتی که از من می‌پرسیدند به دقت توجه می‌کردم و دقیقاً به همون سؤال جواب می‌دادم و نه آن چیزی که فکر می‌کردم آن‌ها می‌خواهند بدانند» (مادر).

گروه دوم بر این باور بودند که صبر کردن در این زمینه کار درستی نیست؛ چرا که ممکن است فرزندان هرگز از آن‌ها سؤال نپرسند و یا جواب سؤالات خود را از منابع نامعتبر به دست آورند. در نتیجه، والدین ترجیح می‌دادند که خود این مباحث را پیش بکشند و در این زمینه صحبت کنند. «با این که هنوز قاعده نشده، خواستم زودتر بهش بگم، این که چند روزه است و چه اتفاقاتی می‌افتد، مسایل بهداشتی آن را براش توضیح دادم» (مادر).

گروه سوم والدینی بودند که آموزش مسایل جنسی را به تعویق می‌انداختند. در صورتی که اگر برنامه‌ای برای تربیت جنسی در دست نباشد، نوجوانان آنچه را که نیاز دارند، از منابع دیگر مانند دوستان، خویشان و رسانه‌ها دریافت می‌کنند. مشکل این منابع آن است که هیچ‌گاه نمی‌توان از درستی اطلاعات آن منابع مطمئن بود.

اجتناب از موضوع: هر آنچه درباره مسایل جنسی گفته می‌شود، باید با سایر امور تربیتی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی نوجوان همخوانی داشته باشد. به عبارت دیگر، این مطالب باید به شیوه تربیتی آموزش داده شود. «هیچ مطلبی در این باره به پسر/آموزش ندادم. الان با وجود کامپیوتر و اینترنت و موبایل خودشان واردتر هستند و با هم صحبت می‌کنند و

نیازی به توضیح‌های من یا مادرشون ندارند» (پدر).

والدین اغلب مسؤولیت آموزش مسایل جنسی را به والد دیگر (بیشتر به مادر) یا مدرسه واگذار می‌کردند. «این وظیفه مدرسه هست که توی درس علوم و دینی درباره تفاوت‌های زن و مرد به بچه‌ها اطلاعات لازم را بدهد» (مادر). واگذاری مسؤولیت تربیت جنسی به مادران در تمامی موارد این نمونه مشاهده شد. اغلب پدران علت این امر را برتری مادران در ایجاد و برقراری ارتباط با فرزندان بیان کردند. «من این کار رو به زنم واگذار کردم» (پدر). «بله (با خنده) تو هیچ وقت در مورد این چیزا با بچه‌ها حتی پسرمون حرف نمی‌زنی» (مادر).

برخی از والدین که از صحبت کردن درباره مسایل جنسی احساس خوشایندی نداشتند، اذعان کردند که خود را به قدری درگیر کارها و مسایل دیگر می‌کنند که زمان خالی برای بیان و صحبت در مورد این موضوعات (در موارد حاد، در کل وقت برای برقراری تعامل و ارتباط با فرزندان خود) نداشته باشند. «آن‌ها تمایلی به شنیدن این جور حرفا از زبان من ندارند، البته من خودم هم دوست ندارم درباره این مسأله با آن‌ها صحبت کنم» (پدر). تعدادی از خانواده‌ها ترجیح می‌دادند که کتاب‌هایی در این زمینه تهیه کنند و در خانه بگذارند تا این که فرزندان خودشان به طور مستقیم وارد مباحث جنسی شوند. «یک کتاب در این زمینه براش خریدم، به نظر کتاب کامل و خوبی هست و اطلاعاتی که لازم دارد را در اختیارش می‌گذارم» (مادر).

چالش‌های موجود در تربیت جنسی

جنسیت: جنسیت فرزند از عوامل تأثیرگذار بر تربیت جنسی است. در پژوهش حاضر، مادران بدون در نظر گرفتن جنسیت فرزند، نقش اصلی در تربیت جنسی ایفا می‌کردند. تعداد پدرانی که تجربیات سازنده و مثبت خود را با فرزندان پسرشان در میان گذاشتند، بسیار محدود بود. مادران و پدران بیان مباحث جنسی در منزل را دشوار گزارش می‌کردند، اما پدران این دشواری را چندین برابر بیان می‌دانستند. مادران صحبت کردن با دختران را آسان‌تر از پسران عنوان کردند و علت آن را گفتگوی بی‌پرده و به اشتراک گذاشتن تجربیات خود با دختران بیان ذکر نمودند. در خانواده‌هایی که فرزند

از والدین به آن اشاره کردند، این بود که آموزش در این موارد باید فرایند پیوسته و مداومی باشد و با بزرگ‌تر شدن فرزند آموزش‌ها عمیق‌تر شود. «این موضوع هم مثل بقیه چیزها... برای یاد دادن ریاضی به بچه‌ها اول اعداد رو به آن‌ها یاد می‌دهیم، بعد جمع و تفریق، بعد ضرب و تقسیم... هرچی که بزرگ‌تر می‌شوند، مطالب هم پیچیده‌تر می‌شود» (مادر).

سایر منابع اطلاعاتی: این زیرمقوله به نقش مدرسه، مراکز مشاوره، سایر اعضای خانواده، دوستان و همسالان و رسانه بر تربیت جنسی فرزندان اشاره دارد. «دختر من همیشه با دوستانش در ارتباط است. نمی‌تونم زیاد از رفت و آمدش با آن‌ها جلوگیری کنم. می‌دونم که محور بحث‌هاشون هم جنس مخالف و فیلم‌ها و شبکه‌های مجازی و چیزهایی از این قبیل است» (مادر).

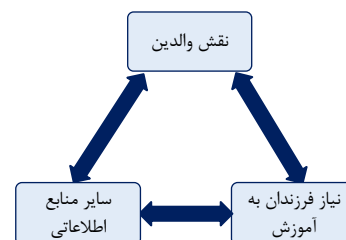
چالش‌های محدودکننده و عوامل افزایش دهنده

کمبود آگاهی والدین و عدم اطمینان از نحوه آرایه مسایل: والدین شرکت‌کننده در پژوهش حاضر بیان کردند که نحوه تربیت جنسی درست را نمی‌دانند. آن‌ها اذعان داشتند که نمی‌دانند در مقابل سؤالات فرزندانشان چه بگویند و به چه روشی باید گفتگو کنند. آن‌ها معتقد بودند که اگر آموزش‌هایی در زمینه والدگری دریافت کنند، آگاهی‌شان نسبت به نیازهای فرزندانشان افزایش می‌یابد و در تسهیل ارتباط با آن‌ها بسیار مفید خواهد بود. «وقتی ما تربیت جنسی مناسب دریافت نکردیم و همچنین، ادبیات درست و کافی برای برقراری ارتباط با بچه نداریم، نمی‌تونیم درست آموزش بدهیم. من فکر می‌کنم آموزش مسایل جنسی و نحوه بیان آن به فرزندانمون خیلی مفید است» (مادر).

احساس شرم: تعدادی از والدین اذعان داشتند، زمانی که فرزندانشان در مورد مسایل جنسی سؤال می‌پرسند و یا قرار است درباره این مسایل گفتگو کنند، احساس شرم و خجالت می‌کنند. این احساس در مواجهه شدن با فرزندان پسر بیشتر بود. «توضیح دادن روابط جنسی خیلی سخته، اگر دختر بود یا کم‌سن‌تر بود شاید راحت‌تر بودم» (مادر).

ایجاد محرک: والدین باور داشتند که عواملی همچون مطالعه کتاب و روزنامه، دیدن برنامه‌های آموزشی

پسر داشتند و پدر نقشی در تربیت جنسی نداشت، اگر مادر تربیت جنسی پسر را بر عهده نمی‌گرفت، این مسایل به صورت سر بسته باقی می‌ماند. «به دخترم می‌دونم چی باید بگویم، اما صحبت کردن با پسرم کار سخته. به نظرم اصلاً خودش هم دوس نداره که من درباره این چیزها حرف بزنم» (مادر). به طور کلی، سه عامل مؤثر بر تربیت جنسی در این نمونه شامل «تصور والدین از نقش خود در تربیت جنسی فرزندان، نیاز فرزندان به آموزش و سایر منابع اطلاعاتی» بود. (شکل ۱).



شکل ۱. عوامل تأثیرگذار بر تربیت جنسی

تصویر والدین از نقش خود در تربیت جنسی: این زیرمقوله به نقش و ادراک والدین از میزان آگاهی و اطلاعاتی که در زمینه تربیت جنسی دارند و میزانی که این اطلاعات را قابل اطمینان می‌دانند، اشاره می‌کند. این عامل به شدت تحت تأثیر تجربیات و آموزش‌های قبلی آن‌ها قرار دارد. والدین با تحصیلات پایین یا بی‌سواد و توان اقتصادی کم، نه تنها تمایلی به شرکت در برنامه‌های آموزشی در این حیطه نداشتند، بلکه احساس نیاز به آموزش نیز نمی‌کردند. «مگر به ما یاد دادن این چیزا را؟ بچه‌هامون هم مثل ما خودشون یاد می‌گیرند» (مادر).

نیاز فرزندان به آموزش: این عامل به معنی ادراک والدین از میزان آمادگی و نیاز فرزندان به آموزش مسایل جنسی می‌باشد. دیدگاه غالب در بین والدین این بود که آموزش مسایل جنسی باید در نوجوانی و جوانی صورت گیرد. مادر یک دختر نه ساله بیان کرد: «هنوز خیلی زوده که بخوام در این موارد حرف بزنم، یک کم که بزرگ‌تر شه، چیزایی که لازم هست رو بهش می‌گم». دیدگاه دیگر که تعداد محدودی

بحث

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که والدین طیف وسیعی از راهبردها را برای تربیت جنسی استفاده می‌کنند. آن‌ها بر این باور هستند که آموزش مسایل جنسی باید با توجه به سن فرزندان صورت گیرد، اما در مورد این که در سنین مختلف چه مسایلی مطرح شود، نظرات متعددی وجود دارد. عده‌ای باور دارند که سن فرزندان برای دانستن چنین موضوعاتی بسیار کم است. این طرز تفکر نشأت گرفته از آن است که تربیت جنسی را تا زمانی که کودک به اندازه کافی بزرگ نشده است، باید به تعویق انداخت و حتی گاهی پرداختن به آن را نادرست دانستند و عقیده داشتند تا هنگامی که مشکلی پیش نیامده است، این امر ضروری نمی‌باشد و ممکن است کودکان و نوجوانان را زودتر به سوی رفتارهای جنسی بکشاند. به عبارت دیگر، برخی نگران هستند که این آموزش‌ها کودکان را زودتر درگیر رفتارهای جنسی کند. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که افزایش اطلاعات نوجوانان در زمینه مسایل جنسی، نه تنها منجر به فعالیت‌های جنسی زودهنگام و تعدد شرکای جنسی نمی‌شود (۳۳، ۳۲)، بلکه تربیت جنسی کارآمد و مناسب، بیشتر به خویشن‌داری و تأخیر در آمیزش می‌انجامد (۳۴) و در موقعیت‌های دشوار تصمیمات عاقلانه‌تری می‌گیرند (۳۵).

در مطالعه حاضر مانند پژوهش‌های گذشته (۳۸-۳۶، ۱۲)، مادران نقش اصلی را در تربیت جنسی بر عهده داشتند. بر اساس تحقیق Goldman، شاید علت این موضوع، حضور کم پدران در خانه باشد؛ چرا که در بیشتر خانواده‌ها پدران نقش اصلی تأمین هزینه‌های خانواده را بر عهده دارند (۳۶). Kirkman و همکاران بیان کردند که برقراری ارتباط برای پدران یک مسأله جدی است؛ چرا که پدران نه تنها با فرزندان دخترشان، بلکه با پسرانشان نیز در زمینه تربیت جنسی مشکل دارند (۳۷). شاید علت این امر، عدم آموزش یا محدود بودن آموزش‌های دریافتی پدران در زمان نوجوانی‌شان باشد. همچنین، پدران تربیت (به خصوص تربیت جنسی) را موضوعی زنانه تلقی می‌کنند (۳۸). این امر می‌تواند دلیلی بر نادیده گرفتن پسران در تربیت جنسی از سوی والدین باشد (۲۹). مطالعات

تلویزیون و یا حتی یک سؤال باعث افزایش آگاهی آن‌ها نسبت اهمیت آموزش مسایل جنسی می‌شود و به دنبال آن، آرایه آموزش را افزایش می‌دهد. «بعد از خواندن صفحه حوادث همیشه به دخترم هشدار می‌دم؛ مثلاً در تاکسی که نشسته مواظب رفتار مردی که کنارش نشسته باشه و یا سوار هر تاکسی نشه» (مادر).

ارتباط بسنده مدرسه با والدین: برخی از والدین علاقمند بودند که با مدارس در این زمینه همکاری کنند و در جریان آموزش فرزندان‌شان در مدرسه قرار گیرند. «مدرسه بگذارد که والدین بدانند که چه چیز قرار است اتفاق بیفتد، چه مطالبی در این زمینه قرار است ارائه شود، من دوست دارم بدانم... نه این که مشکلی باهاش داشته باشم» (مادر).

دسترسی به منابع مناسب: والدین خاطر نشان کردند که به وجود منابع مناسب و در دسترس برای تربیت جنسی نیاز دارند. علاوه بر این، مادران بیان نمودند که منابع مکتوبی که نویسنده آن‌ها مرد باشد، برای آموزش پسران می‌تواند بسیار مثر واقع شود.

در بیشتر موارد مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند که آموزش جنسی که به فرزندان خود می‌دهند، تحت تأثیر آموزش‌های گذشته‌شان است. به عبارت دیگر، این افراد تحت تأثیر الگوهای آموزشی والدین، جامعه و مراکز آموزشی (مدرسه یا دانشگاه) بودند. به عنوان مثال، مادری بعد از تجربه‌ای که خود در محیط خانواده کسب کرده بود، معتقد بود که مسایل جنسی نباید یک تابو در خانواده باشد.

به طور کلی، عوامل محدودکننده و افزایش دهنده آموزش مسایل جنسی از نگاه والدین در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. عوامل محدودکننده و افزایش دهنده آموزش مسایل جنسی

عوامل محدودکننده	عوامل افزایش دهنده
کمبود آگاهی درباره نیاز فرزندان به آموزش‌های جنسی	ایجاد محرک‌هایی مانند مطالعه کتاب
احساس شرم و خجالت از عنوان کردن این مسایل	دسترسی به منابع مناسب
عدم اطمینان از چگونگی و محتوای تربیت جنسی	برقراری ارتباط مدرسه با والدین

انجام شده در این زمینه بیان‌کننده این نکته است که والدین در ارایه آموزش مسایل جنسی به دختران و پسران تفاوت قایل می‌شوند (۴۰، ۳۹). Measor اعتقاد دارد که دختران و پسران در معرض اطلاعات متفاوت جنسی قرار می‌گیرند. در پژوهش وی، پسران اذعان داشتند که آموزش زیادی دریافت نمی‌کردند و همان مقدار ناچیز نیز در جوی سرد و غیر شخصی صورت می‌گرفت. بر خلاف آن‌ها، دختران آموزش‌ها را در جو دوستانه و گرمی تجربه کرده بودند (۴۱). Sutton و همکاران به این نتیجه رسیدند که پسران در خانواده آموزش‌های مناسبی را در زمینه مسایل جنسی دریافت نمی‌کنند. در نتیجه، برای افزایش اطلاعات خود به دوستان یا رسانه‌ها متوسل می‌شوند. این نتایج بیانگر این نکته است که با وجود نیاز پسران به تربیت جنسی، آن‌ها آموزشی از جانب خانواده دریافت نمی‌کنند (۴۰). Hilton در پژوهش خود بیان نمود که سلامت پسران نه تنها در زمینه‌های جنسی، بلکه در زمینه‌های عاطفی نیز در خطر است؛ چرا که پسران احساس می‌کنند اجازه ابراز احساسات و یا درخواست کمک ندارند (۴۲). احساس شرم و خجالت از یک سو و عدم اطلاعات کافی و مناسب والدین از سوی دیگر باعث شده است که آن‌ها از ارایه مسایل جنسی احساس رضایت نکنند و مهارت کافی در این زمینه نداشته باشند. این نتیجه با نتایج تحقیق Werner-Wilson و Fitzharris (۴۳) همخوانی داشت. شاید این یافته دلیلی بر این موضوع باشد که وجود این که نوجوانان ترجیح می‌دهند مسایل جنسی را از والدین خود یاد بگیرند (۴۴)، آن‌ها را منابع مناسبی برای آموزش این مسایل نمی‌دانند (۴۵).

عوامل تأثیرگذار بر آموزش مسایل جنسی نشان داد که والدین از این که مقابل فرزندانشان قرار بگیرند و به ندانستن بعضی مسایل اعتراف کنند، بسیار واهمه داشتند. والدین باید از شرایط اجتماعی و مقتضیات زمان حال حاضر آگاه باشند؛ در این دوره بسیاری از نوجوانان به تلفن همراه، اینترنت، رایانه و سایر رسانه‌ها دسترسی دارند و روزانه با حجم زیادی از اطلاعات روبه‌رو می‌شوند. نگرانی‌هایی در مورد اطلاعاتی که از این طریق به دست می‌آید، وجود دارد (۴۶، ۴۷). نتایج بر تأثیرپذیری طولانی مدت والدین از تجربیات

آموزشی خود که از والدین یا اطرافیانشان دریافت کرده بودند، اشاره کرد. بر این اساس، اگر در نسلی تربیت جنسی به صورت ضعیف و ناکارآمد صورت گیرد، به طور قطع این چرخه معیوب تا نسل‌ها ادامه خواهد یافت. بنابراین، اقداماتی برای افزایش اطلاعات تربیت جنسی والدین باید صورت گیرد تا بتوانند آموزش‌های مناسب را ارایه دهند (۴۸).

نتایج مطالعه حاضر نشان داد، والدینی که در مورد نحوه تربیت جنسی اطمینان کافی نداشتند، اما همچنان علاقمند به دانستن بهترین نحوه ارایه آموزش مسایل جنسی بودند، هیچ راهنمای کامل و کارآمدی برای آموزش مسایل جنسی به فرزندان نداشتند. بنابراین، وجود یک راهنمای جامع در مورد آنچه که والدین باید آموزش دهند به شدت احساس می‌گردد. این نتیجه با یافته‌های تحقیق Turnbull و همکاران (۳۸) همسو بود.

تعدادی از والدین اعتقاد داشتند که تعامل خانه و مدرسه بسیار حایز اهمیت است. این یافته با نتایج پژوهش‌های قبلی که بر افزایش ارتباط خانه و مدرسه برای تربیت جنسی کارآمد تأکید داشت (۵۰، ۴۹)، هم‌راستا می‌باشد. علاوه بر این، والدین خواستار منابع اطلاعاتی بیشتر بودند. مطالعات صورت گرفته در موضوعات آموزش جنسی در ایران بسیار اندک است و در تحقیق حاضر نیز تنها تعدادی از والدین مقیم رفسنجان مورد بررسی قرار گرفتند. تربیت جنسی حتی در یک جامعه از محله‌ای به محله دیگر می‌تواند متفاوت باشد. بنابراین، تعمیم یافته‌ها به شهرهای دیگر ایران، باید به دنبال آزمون نتایج و مدل‌های اعتقادی به دست آمده باشد. به هر حال، نتایج پژوهش حاضر می‌تواند چارچوبی برای مطالعات آینده باشد. مشارکت محدود پدران در تحقیق، از محدودیت‌های خارج از کنترل پژوهشگران بود. محدودیت دیگر، عدم حضور نوجوانان در بیان تجربیاتشان از آموزش والدینشان بود که می‌توانست به غنای داده‌ها کمک کند.

نتیجه‌گیری

لزم برنامه‌های آموزشی رسمی و غیر رسمی درباره مسایل جنسی برای دختران و پسران احساس می‌گردد. با وجود

هر خانواده هنگام آموزش مد نظر قرار گیرد. ارتباط مؤثر خانه و مدرسه نیز یک اصل اساسی است. والدین تمایل دارند که در جریان آموزش‌هایی که در مدرسه صورت می‌گیرد، قرار گیرند و نقش خود را در این زمینه بدانند.

تشکر و قدردانی

پژوهش حاضر برگرفته از طرح تحقیقاتی با شماره ۱۱۰، مصوب دانشگاه شیراز می‌باشد. بدین‌وسیله نویسندگان از والدین محترمی که در انجام این مطالعه همکاری نمودند، تقدیر و تشکر به عمل می‌آورند.

تضاد منافع

در انجام مطالعه حاضر نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافی نداشته‌اند.

تغییرات گسترده فرهنگی در خصوص موضوع آموزش مسایل جنسی در جامعه ایران، همچنان فرهنگ غالب در جامعه و خانواده‌ها، برخورد خاموش و با احتیاط شدید با این مسایل است. از آن‌جا که بسیاری از والدین به دلیل شرم نابه‌جا یا عدم آگاهی کافی از ارایه توضیحات در این باره خودداری می‌کنند، آموزش‌های اجتماعی هم به والدین و هم به نوجوانان اهمیت دوچندانی می‌یابد.

بر اساس نتایج به دست آمده، می‌توان پیشنهادهایی از جمله آماده‌سازی منابع اطلاعاتی کافی و مناسب برای والدین را ارایه نمود که دسترسی به این منابع می‌تواند باعث افزایش انگیزش و افزایش آموزش‌های جنسی والدین شود. علاوه بر این، برنامه‌های آموزشی در این زمینه توسط متخصصان برای والدین، موجب افزایش مهارت و اطمینان آن‌ها می‌شود. البته لازم به ذکر است که باید اخلاقیات، عقاید مذهبی و فرهنگ

References

1. Shoarinejad AA. Developmental psychology. Tehran, Iran: Ettelaat Publications; 2013. [In Persian].
2. Martin NM. Sexual pedagogies: Sex education in Britain, Australia, and America, 1879-2000. Basingstoke, UK: Palgrave Macmillan US, 2004.
3. Sauerteig L, Davidson R. Shaping sexual knowledge: A cultural history of sex education in twentieth century Europe. Abingdon, UK: Routledge; 2009.
4. Eisenberg ME, Bernat DH, Bearinger LH, Resnick MD. Support for comprehensive sexuality education: Perspectives from parents of school-age youth. J Adolesc Health 2008; 42(4): 352-9.
5. Sinkinson M. Sexuality isn't just about sex': Pre-service teachers' shifting constructs of sexuality education. Journal Sex Education Sexuality, Society and Learning 2009; 9(4): 421-36.
6. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization. International technical guidance on sexuality education: An evidence-informed approach for schools, teachers and health educators. Paris, France: UNESCO; 2009.
7. Alavi HR. Islamic educational goals, methods, and content, with emphasis on Shia' Faith. Journal of Research on Christian Education 2013; 22(1): 4-20.
8. Rahmani A, Merghati-Khoei E, Fallahi A. Perceived advantages and disadvantages of sex education in young women: A qualitative study. Int J High Risk Behav Addict 2018; 7(2): e57221.
9. Faghihi A, Shokoohi-Yekta M, Parand A. Sexual education of children and adolescents based on Islamic view and psychological studies. Journal of Islamic Education 2009; 3(7): 51-80. [In Persian].
10. Ghorbani M, Zamani-Alavijeh F, Shahry P, Zare K, Marashi T. Understanding childhood's sexual curiosity: An introduction to sexual health education and health promotion. Iran J Health Educ Health Promot 2015; 3(3): 198-210. [In Persian].
11. Robinson KH, Smith E, Davies C. Responsibilities, tensions and ways forward: Parents' perspectives on children's sexuality education. Journal Sex Education Sexuality, Society and Learning 2017; 17(3): 333-47.
12. Gevorgyan R, Schmidt E, Wall M, Garnett G, Atun R, Maksimova S, et al. Does Russia need sex education? The views of stakeholders in three Russian regions. Sex Education: Sexuality, Society and Learning 2011; 11(2): 213-26.
13. Zain Al-Dien MM. Perceptions of sex education among Muslim adolescents in Canada. J Muslim Minor Aff 2010; 30(3): 391-407.
14. Huston RL, Martin LJ, Foulds DM. Effect of a program to facilitate parent-child communication about sex. Clin Pediatr 1990; 29(11): 626-30.

15. Monyooe LA, Fumba CN. Pupils' views on sex education in Transkei schools, South Africa. *Psychol Rep* 1998; 82(1): 337-8.
16. Jorgensen SR, Potts V, Camp B. Project taking charge: Six-month follow-up of a pregnancy prevention program for early adolescents. *Family Relations* 1993; 42(4): 401-6.
17. Visser AP, van Bilsen P. Effectiveness of sex education provided to adolescents. *Patient Educ Couns* 1994; 23(3): 147-60.
18. Turkel AR. The hand that rocks the cradle rocks the boat: The empowerment of women. *J Am Acad Psychoanal Dyn Psychiatry* 2004; 32(1): 41-53.
19. Peckham S. Preventing unintended teenage pregnancies. *Public Health* 1993; 107(2): 125-33.
20. Whitfield C, Jomeen J, Hayter M, Gardiner E. Sexual health information seeking: A survey of adolescent practices. *J Clin Nurs* 2013; 22(23-24): 3259-69.
21. Green J. School sex education and education policy in England and Wales: The relationship examined. *J Health Educ Res* 1998; 13(1): 67-72.
22. Anoosheh M, Niknami S, Tavakoli R, Faghihzadeh S. Preliminary study of puberty education in adolescent girls: A qualitative research. *Iran J Psychiatry Clin Psychol* 2003; 9(2): 64-70. [In Persian].
23. Farnahini Farahani M, Maleki M. Content of higher education textbooks from the viewpoint of sexual health education. *Educ Strategy Med Sci* 2012; 5(2): 77-82. [In Persian].
24. Abolghasemi N, MerghatiKhoei E, Taghdissi H. Teachers' perceptions of sex education of primary school children. *Iran J Psychiatry Clin Psychol* 2010; 8(2): 27-39.
25. Amini M, Rahimi H, Rasouli Z. Sex education gaps in university curriculum. *Journal of Research Development in Nursing & Midwifery* 2016; 13(1): 54-61. [In Persian].
26. Strauss A, Corbin JM. *Grounded theory in practice*. Thousand Oaks, CA: SAGE; 1997.
27. Sabzi E, Tol A, Sadeghi R. Understanding stress experiences and coping strategies among primary school teachers. *J Health Syst Res* 2015; 11(2): 297-316. [In Persian].
28. Graneheim UH, Lundman B. Qualitative content analysis in nursing research: Concepts, procedures and measures to achieve trustworthiness. *Nurse Educ Today* 2004; 24(2): 105-12.
29. Hilton GL. Listening to the boys again: An exploration of what boys want to learn in sex education classes and how they want to be taught. *Journal Sex Education Sexuality, Society and Learning* 2007; 7(2): 161-74.
30. Charmaz K. *Constructing grounded theory: A practical guide through qualitative analysis*. Thousand Oaks, CA: SAGE; 2006.
31. Mason M. Sample size and saturation in PhD studies using qualitative interviews. *Forum Qual Soc Res* 2010; 11(3).
32. Anderson JE, Kann L, Holtzman D, Arday S, Truman B, Kolbe L. HIV/AIDS knowledge and sexual behavior among high school students. *Fam Plann Perspect* 1990; 22(6): 252-5.
33. Ku LC, Sonenstein FL, Pleck JH. The association of AIDS education and sex education with sexual behavior and condom use among teenage men. *Fam Plann Perspect* 1992; 24(3): 100-6.
34. Dycus S, Costner GM. Healthy early-adolescent development (11-13 year olds): Implementing a human sexuality curriculum for seventh graders. *Elementary School Guidance & Counseling* 1990; 25(1): 46-53.
35. De Freitas C. *Keys to your child's healthy sexuality*. Hauppauge, NY: Barron's Educational Series; 1998.
36. Goldman JD. An exploration in health education of an integrated theoretical basis for sexuality education pedagogies for young people. *Health Educ Res* 2011; 26(3): 526-41.
37. Kirkman M, Rosenthal DA, Shirley Feldman S. Being open with your mouth shut: The meaning of 'openness' in family communication about sexuality. *Journal Sex Education Sexuality, Society and Learning* 2005; 5(1): 49-66.
38. Turnbull T, van Wersch A, van Schaik P. Parents as educators of sex and relationship education The role for effective communication in British families. *Health Educ J* 2011; 70(3): 240-8.
39. Lefkowitz ES, Romo LF, Corona R, Au TK, Sigman M. How Latino American and European American adolescents discuss conflicts, sexuality, and AIDS with their mothers. *Dev Psychol* 2000; 36(3): 315-25.
40. Sutton MY, Lasswell SM, Lanier Y, Miller KS. Impact of parent-child communication interventions on sex behaviors and cognitive outcomes for black/African-American and Hispanic/Latino youth: A systematic review, 1988-2012. *J Adolesc Health* 2014; 54(4): 369-84.
41. Measor L. Young people's views of sex education: Gender, information and knowledge. *J Sex Edu* 2004; 4(2): 153-66.

42. Hilton GL. Sex Education-the issues when working with boys. *J Sex Edu* 2010; 1(1): 31-41.
43. Werner-Wilson RJ, Fitzharris JL. How can mothers and fathers become involved in the sexuality education of adolescents? *J HIV/AIDS Prev Educ Adolesc Child* 2001; 4(1): 49-59.
44. Kidger J. Stories of redemption? Teenage mothers as the new sex educators. *Sexualities* 2005; 8(4): 481-96.
45. Wilson HW, Donenberg G. Quality of parent communication about sex and its relationship to risky sexual behavior among youth in psychiatric care: A pilot study. *J Child Psychol Psychiatry* 2004; 45(2): 387-95.
46. Ward LM. Children, adolescents, and the media: The molding of minds, bodies, and deeds. *New Dir Child Adolesc Dev* 2005; (109): 63-71.
47. Escobar-Chaves SL, Tortolero SR, Markham CM, Low BJ, Eitel P, Thickstun P. Impact of the media on adolescent sexual attitudes and behaviors. *Pediatrics* 2005; 116(1): 303-26.
48. UNICEF. Health & family life education...10 Years & Beyond. *Children in Focus* 2018; 15(2): 4.
49. Shams M, Parhizkar S, Mousavizadeh A, Majdpour M. Mothers' views about sexual health education for their adolescent daughters: A qualitative study. *Reprod Health* 2017; 14: 24.
50. Cooper RG, Reid PD. Sexually transmitted disease/HIV health-care policy and service provision in Britain. *Int J STD AIDS* 2007; 18(10): 655-61.

Parent's Challenges in Sexual Education of their Children: A Qualitative Study

Negin Bakhshi¹, Farhad Khormaei²

Original Article

Abstract

Introduction: Sexual education is a training that begins in the early days of life, and its objective is moderate and appropriate development in sexual instinct. The aim of this study was to explore how parents provide sex education for their children, and identify challenges influence the sex education.

Method: In this qualitative study, content analysis was used for data analysis. The data were gathered through semi-structured interviews with 25 parents (father, mother or both) in Rafsanjan City, Iran.

Results: 3 main themes of “methods of sex education”, “parents' challenges in sexual education”, and “limiting challenges and factors which enhance sexual education” were achieved through data analysis. Mothers tended to be the main educators, although a few fathers shared the role. Uncertainties were experienced, especially about giving sons sex education. Participants welcomed access to sources of information and educational programs.

Conclusion: Parents were found the main educators in this field, but experienced uncertainty and embarrassment about aspects of their role. Educational programs for parents by experts in this field can enhance their skills and confidence.

Keywords: Sex education, Parents, Children, Qualitative research

Citation: Bakhshi N, Khormaei F. **Parent's Challenges in Sexual Education of their Children: A Qualitative Study.** J Qual Res Health Sci 2018; 7(3): 227-39.

Received date: 31.08.2016

Accept date: 01.08.2017

Published: 06.10.2018

1- PhD Student, Department of Educational Psychology, School of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran

2- Associate Professor, Department of Educational Psychology, School of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran

Corresponding Author: Negin Bakhshi, Email: ne.bakhshi@yahoo.com